



فصلنامه علمی-پژوهشی اخلاق پژوهی
سال ششم • شماره سوم • پاییز ۱۴۰۲
Quarterly Journal of Moral Studies
Vol. 6, No. 3, Autumn 2023



تبیین و تحلیل رابطه اخلاق و قدرت در سیره اجتماعی رسول الله (ص)

بهادر شهریاری * | آرمان فروهی **

doi: 10.22034/ETHICS.2024.51139.1639

چکیده

تمركز اين مقاله بر ارزيايي وجهي از رابطه قدرت و اخلاق است که جنبه هاي از آن در سيره رسول الله (ص) متجلی شده است. در تمامی تعارييفي که از قدرت، مبانی و اجزای آن، صورت گرفته «توان انجام تغيير و ايجاد تاثير»، گراه مشترکی به حساب می آيد. فضail اخلاقی نيز عنصر نيرومندی در «اثربخشی و اثرگذاري در روابط فردی و حيات اجتماعی» است که در پيوند با قدرت قرار گرفته و فصل مشترك آن دو محسوب می گردد. در مقاله پيش رو با رو يك رد توصيف و تحليل تاريخي، اين سؤال که فضail اخلاقی پامبر (ص) در امر رسالت چگونه قدرت آفرین واقع شد، بررسی شده است. يافته های پژوهش حکایت از آن دارد که «خلق عظیم» رسول الله (ص)، «تولید قدرت» نمود و در قالب «نیرویي اثربخش» در گرایش به اسلام، تحمل دشواری های پذيرش اسلام و همراهی با رسول الله (ص) و همچنین در ايجاد تغييرات گسترده در جامعه جاهلي، متجلی شد. در نتيجه، موقعيت حضرت محمد (ص) در به دست گرفتن ابتکار عمل و مهار نیرو و توان رزمی و اقتصادي مخالفان و در نهايیت شکل گيري جامعه جديد، مبتنی بر هنجارها و ارزش های نوين ديني خود را نميان ساخت.

كلیدواژه ها

رابطه اخلاق و قدرت، سيره رسول الله (ص)، قدرت نرم، سيره اجتماعی.

* استاديار گروه معارف اسلامي دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ايران. | b.shahriary1986@yahoo.com

** استاديار گروه ايران شناسی، دانشگاه ميد، ميد، ايران. (نويسنده مسئول) | a.forouhi@meybod.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۰۷ | تاریخ تایید: ۱۴۰۳/۰۲/۱۸

■ شهریاری، بهادر؛ فروهی، آرمان. (۱۴۰۲). تبیین و تحلیل رابطه اخلاق و قدرت در سیره اجتماعی رسول الله (ص). **فصلنامه اخلاق پژوهی**. ۶(۲۰)، ۸۳-۱۰۴.

doi: 10.22034/ETHICS.2024.51139.1639

۱. مقدمه

از وجوده حیات اجتماعی بشر از ابتدا تا کنون این بود که به اقتضای مسائل تازه، همچنین پیچیدگی‌ها و تراکمی که در روابط انسان‌ها پدید آمد مفاهیم جدیدی تولید شده و یا جنبه‌های تازه‌ای از آنها نمایان گردید. سیر تطور مفهومی و معنایی بسیاری از مفاهیم اجتماعی و سیاسی مؤید این موضوع است. دین و مذهب، یکی از نیرومندترین مؤلفه‌هایی به حساب می‌آید که در معنابخشی و تولید مفاهیم نقش مهمی دارد. در این رابطه اسلام به عنوان دینی که مبانی، معارف و آموزه‌های آن، حوزه‌ها و موضوعات مختلف فردی و اجتماعی را پوشش داده و در هر مسئله‌ای، صاحب رأی و نظر است، زمینه بازتعریف مفاهیم جدید همچون اخلاق و قدرت را فراهم کرد. با آغاز بعثت رسول الله (ص)، عصر تازه‌ای در حوزه روابط اجتماعی و فرهنگی آغاز شد. محتوای عمیق آیین اسلام و سیره رسول الله (ص) مبتنی بر ایدئولوژی، افق‌های جدیدی را در مفاهیم اجتماعی و انسانی پدید آورد و دو مفهوم «اخلاق» و «قدرت» و رابطه آن دو از جمله مواردی است که در سیره فردی و اجتماعی پیامبر (ص)، صورت‌بندی مفهومی تازه‌ای یافتند.

به استناد منابع معتبر دینی و علمی، رسول الله (ص) متخلق به اخلاق بودند و در حوزه فردی و اجتماعی واجد فضایل اخلاقی برجسته‌ای بودند و همواره در همه امور تأکید و تعهد ویژه‌ای به رعایت اخلاق داشتند. تحقیقاً این موضوع قابل طرح است که رسول الله (ص) به جهت جایگاه اجتماعی و مقام الهی، هیچ گاه اقدامی خلاف موازین اخلاقی مرتکب نشده‌اند؛ چه مقطوعی که در معرض شدیدترین تهدیدات و تحریم‌ها قرار داشتند یا زمانی که در اوچ قدرت بودند. علاوه بر این، در آیین جدید نیز اخلاق از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و یکی از سه بخش اصلی (اعتقادات، اخلاقیات، احکام) آموزه‌های آن به حساب می‌آمد (محدثی، ۱۳۸۵، ص. ۵۴). بر این اساس، در فضای جدید بعد از ظهر اسلام، «اخلاق» جان تازه‌ای یافت و در نظام معنایی و اجتماعی جامعهٔ نوین دینی، موقعیت برجسته‌ای پیدا کرد.

با عنایت به سیره پیامبر اکرم (ص)، اخلاق و قدرت، دو عامل نیرومند و تأثیرگذار در حیات انسانی-اجتماعی عصر رسول الله (ص) به شمار می‌آیند که بررسی ارتباط آن دو شناخت کامل‌تر تحولات آن دوره را به همراه دارد. بر این اساس، سوال قابل طرح این است که با توجه به سیره اجتماعی پیامبر (ص)، چه رابطه‌ای میان قدرت و اخلاق وجود دارد؟

اهتمام پیامبر (ص) به اخلاق و برخورداری از فضایل اخلاقی، به خلق قدرت بی‌نظیری انجامید که در حل مسائل تأثیری شگرف داشت. بر خلاف برداشت سنتی از مفهوم قدرت؛



ویژگی‌های اخلاقی پیامبر (ص) در آن زمان، شکل جدیدی از قدرت را نمودار ساخت؛ به‌گونه‌ای که «توان انجام تغییر و تأثیرگذاری»؛ از محورهای اصلی در مفهوم قدرت، در گونه‌جديد به شکل وسیع‌تر و عمیق‌نمود یافت. این مهم به عنوان فرض مقاله مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲. پیشینه تحقیق

درباره تحولات عصر رسول اکرم (ص)، آثار زیادی نگاشته شده و بررسی زوایای این مقطع همچنان یکی از محورهای مهم مطالعاتی و تحقیقاتی است. در رابطه با سیره اخلاقی و سیاسی پیامبر (ص)، آثاری وجود دارد که هر کدام جنبه‌ای از موضوع را مورد نکاش قرار داده‌اند.

برای مثال، مقاله «سیره اخلاقی پیامبر اکرم (ص)»، نوشته محمد تقی متانتپور (۱۳۹۳) به

گوشه‌ای از سیره و شخصیت اخلاقی آن حضرت پرداخته است. همچنین مقاله «سیره سیاسی پیامبر اکرم (ص)» نگاشته موسی عزیزی (۱۳۹۱)، به موضوع تشکیل حکومت و سیره سیاسی آن حضرت ویژگی‌هایی چون انعطاف، گفت‌وگو... پرداخته است. در مقاله رضا سروری و قربانعلی قربانزاده (۱۴۰۰) با عنوان «بررسی سیره تربیتی - سیاسی پیامبر (ص) با تأکید بر تألیف قلوب» به تألف قلوب به عنوان یکی از مهمترین راهبردهای پیامبر اکرم (ص) در راستای تحقق و پیشبرد اهداف رسالت توجه شده است. بخش قابل توجهی از آثار و تحقیقاتی که تاکنون مرتبط با موضوع این مقاله نوشته شده بر تبیین فضایل اخلاقی و سیره سیاسی پیامبر (ص) و ارائه مصادیق، تمرکز داشته‌اند. درحالی که در مقاله پیش رو، به «فضایل و ویژگی‌های اخلاقی پیامبر (ص)» در ارتباط با مفهوم «قدرت» توجه و تمرکز شده و فضایل اخلاقی آن حضرت به عنوان یکی از منابع تولید قدرت در نظر گرفته شده است. از این‌رو، سعی شده تا نشان داده شود که فضایل اخلاقی پیامبر (ص) چگونه قدرت‌آفرین بوده‌اند و آثار عینی آن چه بوده است.

۳. چارچوب مفهومی

۱. مفهوم قدرت و انوع آن

قدرت، ماهیتاً مفهومی مناقشه‌برانگیز و چند بعدی است که قدمتی به بلندای حیات آدمی دارد (کلگار، ۱۳۸۳، ص ۹-۱۰). به نظر نمی‌آید «قدرت» را بتوان یک مرتبه و برای همیشه معنا کرد. جهت

پرداختن به تعریف قدرت، متغیرهای زیادی وجود دارد که لحاظ ساختن آنها تعدد و تراکم مطالب پیرامون قدرت را رقم زده و مناقشات فکری درباره مفهوم و قلمرو آن را تداوم بخشیده است. در رابطه با تعریف قدرت گفته شده که همانند عشق است و تجربه کردن قدرت آسانتر از تعریف آن است (نای، ۱۳۹۲، ص ۱۲). علاوه بر این، قدرت، مفهومی برساخته اجتماعی است و کاربست آن به شکل قابل ملاحظه‌ای وابسته به متن جامعه و محیط انسانی است. این امر نیز در پویایی و سیالیت مفهوم قدرت، نقش دارد (نای، ۱۳۸۹، ص ۵۴-۵۵).

با وجود تعاریف متعددی که در ذیل «قدرت» مطرح شده و خواهد شد، عبارتی که تا حدودی بتوان آن را فصل مشترک کلیه تعاریف به حساب آورد این است؛ «نیرو و یا عنصری که توانایی لازم جهت پیشبرد اهداف و محقق ساختن برنامه‌هایش را داشته باشد». قدرت در واقع، امکانات و ابزارهایی دارد یا در اختیار گرفته که به مدد آنها قادر به تأثیرگذاری، انجام تغییرات، تحقق امر مطلوب خود و همراهسازی دیگر افراد است. بر همین اساس، قدرت، تجلی گر توانمندی یک کنش‌گر در تأثیرگذاری مؤثر بر روند تحولات در ایجاد تغییرات مورد نظر است.

با عنایت به اهمیت و قدمت مفهوم قدرت در روابط انسانی و اجتماعی، معمولاً در دوره‌های مختلف و به اقتضای تطورات موجود در حیات انسان‌ها، گونه‌هایی از قدرت متجلی شده است. قدرت سخت، از پرکاربردترین و قدیمی‌ترین گزاره‌ها در مفهوم قدرت است. تعریفی سخت افزارانه از «قدرت» به معنای توانایی در مجبور ساختن دیگران به انجام خواسته‌های طرف دیگر با استفاده از ناهمتازی‌های ناشی از برخورداری منابع مادی، با توصل به اقدامات، ابزارها، تصمیمات آشکار و مستقیم است (مرادی، ۱۳۸۹، ص ۷۲). قدرت سخت عمده‌تاً متناظر به منابع سنتی قدرت شامل جمعیت، سرزمین، منابع طبیعی، اندازه اقتصاد، حجم روابط تجاری، نیروی نظامی، قدرت دریایی، ثبات سیاسی و ... است. به طور کلی منابع ملازم با قدرت سخت دربردارنده عناصر مادی و ملموس هستند (نای، ۱۳۹۲، ص ۴۷). در این تعریف، قدرت با منطقی از بالا به پایین، ماهیت تصلبی، متمایل به سکون و استوار بر سرمایه مادی و منابع محسوس است. قدرت نرم گونه دیگری از مفهوم قدرت است که افق تازه‌ای را در سلسله مباحث مربوط به قدرت فراهم آورد و کاربرد زیادی نیز پیدا کرد. توان اثرگذاری، هدایت رفتار و علائق افراد، همچنین شکل دادن اولویت‌ها و تأثیر بر ترجیحات دیگران، از طریق ایجاد رغبت و جاذبه مثبت در راستای کسب تاییج مورد نظر از محورهای مهم در تعریف قدرت نرم است (نای، ۱۳۹۲، ص ۴۷). قدرت نرم که از آن با عنوان چهره دوم قدرت نیز یاد می‌شود، بر توانایی در تغییر رفتار بازیگران،

به دور از اجبارکنندگی عریان، استوار است. قدرت نرم، با جایگزینی جذب به جای جبر، بر منابع غیرملموس قدرت نظیر هنجارها، گفتمان‌ها، ایدئولوژی و نهادها متکی است و از فرهنگ، ارزش‌ها و نحوه رفتار برمی‌خizد (نای، ۱۳۸۷، ص ۱۸). قدرت نرم بر خلاف قدرت سخت، صرفاً به دنبال تغییر ساده رفتار افراد نیست، بلکه پیش از آن مترصد تغییر نگرش‌ها و درونی‌سازی ارزش‌ها و آرمان‌هاست. در واقع، به جای سیطره بر جغرافیای جوامع انسانی، تصرف ذهن‌ها و نفوذ در قلب‌ها، مورد نظر است. ویژگی قدرت نرم این است که پدیده‌ای اجتماعی، چهره‌ژلاتینی، مبتنی بر رفتار جذب کنندگی، استوار بر هنجارها و سرمایه اجتماعی است.

گونه سومی از قدرت نیز با عنوان «قدرت هوشمند یا مرکب» وجود دارد که طرح و تعبیر آن جدید است و مفهوم قدرت را پایدارتر نشان می‌دهد. در این گونه قدرت، محور توانایی سخت افزارانه، به محور توانایی نرم افزارانه و دانایی هوشمندانه تغییر جهت می‌دهد. مفهوم قدرت هوشمند رویکرد ترکیبی دارد و در آن شکل و کیفیت اعمال قدرت متفاوت در نظر گرفته می‌شود (شهرستانی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۵). در قدرت هوشمند، ترکیب و تلفیق دو وجه قدرت سخت و نرم برای دستیابی به راهبردهایی کارگشا، بخش اساسی ساختار آن به حساب می‌آید.

در این متن، از میان مطالب متعددی که پیرامون قدرت، مفهوم و ابعاد آن وجود دارد گزاره «ایجاد تأثیر و توان تأثیرگذاری» مورد نظر است.

۲.۳. جایگاه و تأثیر اخلاق در مناسبات اجتماعی و سیاسی

«اخلاق» از مقولات محوری در عرصه حیات اجتماعی انسان‌ها بوده است. فراخ‌دامنی قلمرو اخلاق به گونه‌ای است که هیچ حوزه‌ای از حیات آدمی یافت نمی‌شود که فارغ از ملاحظات و مسئولیت‌های اخلاقی باشد (خنیفر و اسماعیلی، ۱۳۸۹، ص ۵۰۷). کاربرد اخلاق در حیات انسان و سرنوشت زندگی بشر امری تزئینی - تجملی و تفنتی نیست، بلکه اهمیت بنیادین دارد. وجود یا عدم وجود آن، تحول آفرین و تأثیرگذار است. فضایل اخلاقی یکی از بُعدهای مهم اخلاق به حساب می‌آید که با توجه به محورهای مستور در آن، از ظرفیت‌های متراکمی برخوردار است و توان تأثیرگذاری بسیار بالایی در جهت‌دهی روابط اجتماعی و انسانی دارد. به این خاطر می‌توان آن را در ارتباط با مفهوم قدرت بررسی کرد و به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع مؤثر در تولید قدرت به حساب آورد. بر این اساس، برخورداری از خصائص و فضایل اخلاقی والا، در سطح روابط فردی و مسائل اجتماعی، کارکرد فراوان و قابلیت‌های متنوعی دارند و اهمیت آن را

نباید صرفاً به رفتارهای فردی و جزئی تقلیل داد، بلکه دامنه اثرگذاری و اثربخشی آن به سطوح بالای اجتماعی و مسائل حاکمیتی نیز کشیده می‌شود (دامغانی، ۱۳۸۳، ص ۱۸۳). در جدول زیر ضمن بیان ذکر فضایل اخلاقی، آثار فردی و اجتماعی آن و همچنین نمود آنها در عرصه اجتماعی و حکومتی بیان شده است.

فضائل اخلاقی	آثار فردی و اجتماعی و تبلور آن در عرصه حکمرانی و حیات اجتماعی
زهد و پرهیزکاری، صبر و رضا، استقامت، قسط و عدل، صداقت، درستکاری و نیکرکاری، خوش خلقی و مهربانی، عفت و فای به عهد، حلم، شجاعت و امانتداری و ...	<ul style="list-style-type: none"> - تأثیر آن - به تعبیر فارابی - در انسجام بخشی اجزا و مراتب مدنیه فاضله (فارابی، ۱۴۰۵، ص ۷۱) و ساماندهی جامعه آرمانی. - رشد فردی، سازندگی اجتماعی و کمال بخشی به حیات انسانی. به تعبیر امام صادق (ع) اخلاق نیک، شهرها را آباد و عمرها را زیاد می‌سازد (عاملی، ۱۳۹۱، ق. ۸، ص ۵۰۴). - قرار گرفتن در مسیر درست بهره‌گیری از استعدادها و شکوفایی توانمندی‌های انسانی. - پاسداشت حریم‌ها و حرمت‌ها، اعتمادبخشی و برانگیختن حسِ احترام و محبت افراد - مردم‌داری؛ تألیف قلوب و تسخیر دل‌ها. - آراستگی نفس و توانی‌ای در مهار خواهش‌های مُخرب نفسانی. - بروز رفتارهای سنجیده و خویش‌تدارانه؛ میانه‌روی و اجتناب از انجام قضاوت‌های هیجانی و اقدامات شتابزده. - پرهیز از اختلافات و پراکندگی و گرایش به وفاق وحدت و همزیستی مسالمت‌آمیز (با درک تفاوت‌ها). - تحکیم روحیه وفاداری در مناسبات فردی و اجتماعی؛ پاییندی به عهود و عقود و اجتناب از بد عهدی و پیمان‌شکنی. - پرهیز از خامگویی و برخورداری از ادبیات تأثیرگذار؛ زبان نرم، بیان مستدل و منطق مستحکم.

جامعه انسانی منهای اخلاق، به باغ وحشی تبدیل خواهد شد که تنها میله‌های قفس‌ها می‌تواند

جلو فعالیت‌های تخریبی این حیوانات انسان‌نما را بگیرند و زندگی انسانی مفهوم واقعی خود را از دست می‌دهد. با بررسی وضعیت جوامع گذشته، به روشنی آشکار است که از عوامل اصلی زوال دولت‌ها و اضمحلال جوامع و تمدن‌ها به مسئله اخلاق مربوط می‌شود. اگر درست به گذشته نظر شود، اقوام زیادی پیدا می‌شوند که هر کدام بر اثر پاره‌ای رذائل و انحرافات اخلاقی، شکست خورده یا بکلی نابود شدند (خنیفر و اسماعیلی، ۱۳۸۹، ص ۵۲۴).

بر این اساس، گزاره نهایی و مشترک در پیرامون فضایل اخلاقی، «اثریخشی و اثربگذاری بسیار زیاد بر بنیان‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه» است؛ به گونه‌ای که زیرساخت‌های جامعه و تمدن پسری را تحت تأثیر قرار می‌دهد (بحربنی، ۱۳۸۹، ص ۷۷) و چنانچه اخلاق، مایه حیات انسانی و فرهنگی جامعه در نظر گرفته شود، مبالغه نشده است (خنیفر و اسماعیلی، ۱۳۸۹، ص ۵۲۴). در پایان این مبحث، نتیجه را در سه بند می‌توان بیان کرد:

۱. تأثیر حسن اخلاق و فضایل اخلاقی در میان مردم (اصیل، ژرف، فراگیر و پایدار) است و نباید آن را صرفاً به پاره‌ای رفتارها و عادت‌های اخلاقی فروکاست (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۶، ص ۵۲)؛ زیرا تحول اخلاق به رفتار، تقلیل‌گرایانه است و تلقی ابزارانگارانه و سطحی از اخلاق، اخلاق‌ورزی را از میان برمی‌دارد و آن را با چالش‌های زیادی مواجه می‌سازد (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۸، ص ۷۱).
۲. پاییندی به اخلاق سبب سودآوری، برتری رقابتی و مزیت راهبردی می‌گردد. به بیان دیگر، اخلاق با بهینه‌سازی عملکرد، مزیت رقابتی می‌آفریند (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۸، ص ۱۶).
۳. ضرورت توجه به این اصل کلیدی که بروز تأثیرات پایدار و ماندگار، منوط به «پیوستگی و استمرار در رفتارهای اخلاقی» است. بدون تردید، اخلاق‌ورزی، به صورت پراکنده و مقطوعی، اثر کافی بر جای نمی‌گذارد.



۴. اخلاق‌مداری پیامبر اکرم (ص) تأثیر آن در برانگیختن حس محبت و احترام مردم بدون تردید، از ویژگی‌های برجسته رسول خدا (ص) برخورداری از اخلاق و لا و متعالی است. فضایل اخلاقی به برترین شکل ممکن در سیره حضرت محمد (ص) تجلی داشت. موضوعی که در معتبرترین متن اسلامی، به روشنی بدان پرداخته است. در قرآن کریم، رسول خدا (ص) به هیچ وصفی برتر از اینکه **خلقی عظیم دارد** (سوره قلم، آیه ۴۰) ستایش نشده است. علاوه بر این، رسول الله (ص)، اساس بعثت خود را تکمیل مکارم و محاسن اخلاقی ذکر کرده‌اند. رعایت موازین

اخلاقی، در سیره عملی و نظری حضرت به شکل پیوسته تداوم داشت.

تأثیر گسترده ویژگی‌های اخلاقی پیامبر (ص) در ارتباط با مردم و جامعه، در قرآن مورد توجه و تأکید قرار گرفته؛ به گونه‌ای که تصریح شده «[ای پیامبر! اگر تندخو و سختدل بودی از گرد تو پراکنده می‌شدند]» (سورة آل عمران، آية ۱۵۹). اهمیت و تأثیر شکرگ فضایل اخلاقی پیامبر به اندازه‌ای بود که از آن با عنوان «معجزه دوم رسول الله (ص)» یاد می‌شود (بهشتی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۷). همین ویژگی‌ها سبب شد تا شایسته عنوان «اسوۀ حسنۀ» شود و به عنوان الگویی نیکو برای مردم در هر عصر و نسلی معرفی شود.

در دوران پیش از بعثت، بر اساس روایات متعدد و مبرهن تاریخی، مهم‌ترین ویژگی پیامبر اکرم (ص) «برجستگی اخلاقی» ایشان بود، به اندازه‌ای که در میان گروه‌های مردمی بدان اشتهر یافتد. حضرت محمد (ص) با توجه به عملکردش در میان اهالی مکه، به جهت «حسن سلوک، صدق در گفتار و راستی در کردار» از مقبولیت و اعتبار بالایی برخوردار بود، تقریباً تمامی مردم و ساکنین مکه به «پاکی نفس و عمل» حضرت اذعان داشتند. لقب «محمد امین» یا «امین قریش»، عنوان معروفی که در مکه به پیامبر (ص) تعلق گرفته و ناشی از رفتار نیک ایشان در دوران جوانی بود (یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۳۷۴). مورخین مختلف، به صراحت به این موضوع اشاره دارند. عبارتی نظیر، «محمد (ص)؛ معتمد و مؤمن قوم، صاحب صفات پستنده و نفس مطهر، نهایت صداقت و امانتداری، جمع شدن تمامی کارهای نیک در وجودش، پرهیز از انواع پلیدی‌ها و آلدگی‌ها در دوران جوانی، پروردۀ در پرده عصمت، اعراض از کارهای ناپسند جاهلی، رعایت اصول اخلاقی، آداب معاشرت، پاسداشت حقوق مردم، از همه برتر در خوشخوبی، راستگویی و امانتدارتر، به دور از اخلاق نکوهیده و...؛ بخشی از تعابیری که پیرامون ویژگی‌های اخلاقی پیامبر (ص) ذکر شده است (ابن عمر، ۱۳۸۲، ص ۲۶-۲۷، ابن سعد، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۱۰-۱۴۳، قاضی ابرقو، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۷۵، طبری، ۱۴۳-۱۶۵، ج ۱۳۷۵، ص ۸۴۱، مسعودی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۶۲۸، ابن هشام، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۱۸).

پیامبر اکرم (ص) در دوران جاهلیت و در عنفوان جوانی، با وجود انواع آلدگی‌های اجتماعی و پلیدی‌های شهوانی، به تصریح متون تاریخی، هیچ‌گاه گردبازی‌های جوانی و مجالس عیش و نوش و هوش‌های جاهلی نگشت و از آلدگی‌ها و پلیدی‌های آن زمان پرهیز می‌کرد (مسعودی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۶۲۸). همچنین از عادات زشتی که مردان به آن مبتلا بودند پاک بود (یوسفی غروی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۵۴). ابن عمر اشاره دارد که «سید علیه السلام، در پرده عصمت، پروردۀ بود، نفس

وی مطهر بود از عادات جاهلیت و مقدس بود از هوا و هوس. چنانکه عادت کودکان بود، نبایدی و چنانکه طبع جوانان بود، نخنیدی» (ابن عمر، ۱۳۸۲، ص ۲۶-۲۷. قاضی ابرقوه، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۶۳). مؤلف دلایل النبوه آورده که پیامبر اکرم (ص) «مرتكب هیچ کاری از کارهای ناپسند دوره جاهلی نشد» (ابن سعد، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۱۰) و تا هنگامی که به بلوغ رسید به لحاظ رعایت اصول اخلاقی، آداب معاشرت، رعایت حقوق مردم و بیویثه حق همسایگی از همه برتر، خوش خوی، راستگویی و امانت دارتر بود و از اخلاق نکوهیده و ناروا و بسویه ناسراگویی پاک و به دور بود (بیهقی، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۱۹۹).

با مطالعه و بررسی سیر زندگی محمد (ص) پیش از بعثت با مردم آگاهانه در ارتباط و تعامل بود. زمانی که بر نصب حجرالاسود کشمکش در گرفت و نزدیک بود نزاع خونینی شکل گیرد، بارأی خردمندانه ماجرا را خاتمه داد (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۲۶، امین عاملی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۹). در هر کار نیکی شرکت می جست. با رغبت فراوان برای جلوگیری از ظلم و تعدی زورگویان و به منظور دفاع از ستمدیدگان به پیمان «حلف الفضول» درآمد (یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۷). هیچ گاه به شراب لب نزد و از گوشت قربانی بت هانمی خورد. در ایام عید و سایر مrasam، در مجلس بت‌ها حضور پیدا نمی کرد و همیشه از بت بیزار بود (بیهقی، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۲۰۱-۲۰۲). هیچ گاه به بتی دست نکشید و تحمل شنیدن سوگند به لات و عرّا را نداشت (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۱۷). به جای آن، «تحنث» می کرد. زاد و توشه‌ای اندک با خود بر می داشت چند شبانه‌روز در خلوت معتکف می شد و به تفکر در هستی و ستایش خداوند مبادرت می ورزید (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۵۳).

در تبیین زوایای ویژگی‌های اخلاقی پیامبر (ص) این نکته قابل توجه است که در دوران پیش از بعثت، با توجه به قحطی مکه و عیال‌واری ابوطالب وضعیت دشواری برای ابوطالب پیش آمده بود. حضرت محمد (ص) به عباس بن عبدالمطلب گفت: تو از این سختی که اکنون پدید آمده اطلاع داری و اوضاع ابوطالب را هم می دانی. اکنون لازم است هر کدام یکی از فرزندان او را تکفل کنیم؛ تا او از این سختی رهایی یابد. در این هنگام حضرت رسول و عباس نزد ابوطالب رفتند و مطالب خود را به او اظهار داشتند. ابوطالب گفت: عقیل را برای من بگذارید و دیگران را با خود بیرید. پیغمبر، علی، را با خود برد و او از سن شش سالگی همواره نزد پیامبر (ص) بود؛ تا آنگاه که آن حضرت به رسالت برانگیخته شد (بلاذری، ۱۳۹۴/۱۳۹۷، ق ۲، ج ۹۰).

قبل از بعثت، از دلایل اصلی حضور پیامبر (ص) در کاروان‌های تجاري، به محاسن اخلاقی ایشان مربوط می شد (گورکیو، ۱۳۹۴، ص ۳۸-۳۳). در واقع، امانتداری و درست‌کرداری

پیامبر (ص)، سبب شد تا بازگانان مکه متمایل به همکاری با او باشند و با طیب خاطر و اطمینان از ایشان، سرمایه‌هایشان را به او بسپارند. خدیجه بن‌خویلد که در مکه زنی تجارت‌پیشه و ثروتمند بود، مردان امین و پاک دست را شناسایی و برای بازگانی اجیر می‌کرد و سرمایه‌ای از مال خویش در اختیارشان می‌گذشت تا به تجارت پردازند (طبری، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۸۷۰). در روایات آمده «راستگویی، امانتداری و خوش‌خلقی» رسول خدا (ص) که زبانزد همگان شده بود به گوش خدیجه رسید (طبری، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۸۷۰؛ ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۲۰) و او نیز به محمد (ص) اعتماد پیدا کرد (ابن عمر، ۱۳۸۲، ص ۲۷) و به ایشان پیشنهاد داد که با سرمایه‌اش، برای تجارت رهسپار شام شود (آتبی، ۱۳۷۸، ص ۶۸-۶۹). در نهایت، این سفر به بهترین شکل ممکن و با سود تجاری فراوان پایان یافت (ابن سعد، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۱۹).

محاسن و فضایل اخلاقی محمد (ص) سبب شد تا خدیجه علامه علقمند به ازدواج با ایشان شود.

خویلد به دخترش، خدیجه گفت «هر چه به قریش اندر تو انگراند ترا بخواستند و من اجابت نکردم، اکنون چگونه به مردی درویش راضی شوم. خدیجه گفت: مردمان دانند که مرا به خواسته کس حاجت نیست، محمد را به قریش اندر همتا نیست و به میان مردمان پسندیده و امین است و به راستی و دیانت او کس نیست و کس او را به چیزی متهم نتواند کردن چنانکه جوانان را» (بلعمی، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۲۶-۲۵).

در دیگر روایات آمده که خدیجه به پیامبر اکرم (ص) بیان داشتند «بخاطر بزرگواری تو در میان قوم و امانتداری و اخلاق نیک و راستگویی ات مایلم با تو ازدواج کنم» (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۰۰-۲۰۱). طبری نیز در روایت مشابهی آورده که خدیجه به پیامبر (ص) پیغام داد که به سبب شرف، امانت، نیکخوبی و راستگویی به تو راغبم (طبری، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۸۳۲-۸۳۳).

در ماجراهی نصب حجرالاسود، گوشه دیگری از «صدقافت و امانتداری رسول الله (ص)» مشخص شد. در این رابطه، دونکه بر جستگی دارد؛ نخست، طبق آنچه که معروف است بر سر نصب سنگ، میان طوایف قریش نزاع سختی در گرفت و هر کدام از تیره‌های قریش، شمشیرهایشان را در خون فرو کردند و عهد کردند که تا پای مرگ ایستادگی کنند و مهیای جنگ شده بودند (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۲۶). به گفته سران طوایف، این منازعه تنها با خون حل می‌شد و نزدیک بود به فتنه‌ای بزرگ تبدیل شود (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۲۸-۱۲۷؛ امین عاملی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۹). در نهایت، با اتفاقاتی که رقم خورد، قرار بر حکمیت گذاشتند. وقتی حضرت محمد (ص) وارد گردید «همگی خوشحال و خرم شدند که شخص امینی وارد شد بالاتفاق بیان

داشتند: «این امین است، به حکم وی تن می‌دهیم و ما به حکم محمد راضی هستیم» (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۲۷؛ قاضی ابرقو، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۷۵)؛ چون رفتارش درست، باوقار، راستگو و از پلیدی‌ها و آلودگی‌ها به دور است (مسعودی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۶۲۸).

نکته دوم اینکه در این ماجرا، «تأثیر موقعیت اخلاقی محمد (ص) در پذیرش و تبعیت مردم از رأی وی» متجلی گردید. زمانی که نظرش را بیان داشتند سران طائف به استناد حسن سابقه و اخلاق حضرت، پیشنهادش را پذیرفتند. از این‌رو، مشخص شد که در این دوره، حسن اخلاق محمد (ص)، چگونه سبب برانگیختن احترام، اعتماد و محبت مردم شده بود.

۵. تأثیر ویژگی‌های اخلاقی رسول الله (ص) در تبلیغ اسلام

با توجه به تأثیرگذاری فراوان اخلاق در سطح روابط فردی و اجتماعی، برخورداری پیامبر اکرم (ص) از این ویژگی به مثابه منبع قدرت، توانی به ایشان بخشید که جنبه نرم و نامحسوس داشت و منشأ تأثیرات و تغییرات گسترده‌ای شد. علاوه بر این، معارف و آموزه‌های روح بخش آین جدید نیز ارتباط وثیقی با اخلاق داشت. از این‌رو، اخلاق به شکل اساسی بر تولید جذایت و قدرت افزود. جامعه مخوف و وحشتتاک عصر جاهلیت که به لحاظ اخلاقی سخت مريض بود، در پایین‌ترین سطح به لحاظ اهتمام به ارزش‌های انسانی قرار داشت و تنها بوی خشونت، شهوت و قدرت‌پرستی می‌داد (آرمسترانگ، ۱۳۸۳، ص ۶۵-۶۶، ۱۰۶). شخصیت را به سمت خود اخلاق محور پیامبر (ص)، بسان آهن‌ربایی که قلب‌ها و اندیشه‌ها جلب و جذب کرد. سخن قرآن در این رابطه که «هر آینه اگر بداخل اخلاق بودی مردم از گرد تو پراکنده می‌شدند» (سوره آل عمران، آیه ۵۹) گویای موضوع است. با شروع دوران بعثت و مأموریت پیامبر در ابلاغ آین جدید، تأثیر ویژگی‌های اخلاقی پیامبر (ص) در رخدادها و تحولات این عصر نمایان است.

۵. ۱. پذیرش موقعیت جدید رسول الله (ص) و گرایش به ایشان

نخستین تأثیر جایگاه اخلاقی بالای پیامبر (ص) در گرایش افراد مختلف - از نزدیک‌ترین تا دورترین افراد - به آن حضرت نمودار شد. زمانی که پیامبر (ص) مأمور امر رسالت شد به دلیل ویژگی‌های اخلاقی و نگرش مثبتی که به ایشان وجود داشت، سبب شد تا افراد با اطمینان خاطر بدان بیندیشنند (آرمسترانگ، ۱۳۸۳، ص ۱۰۰)؛ زیرا شخصی که مسئولیت عرضه آین جدید را بر عهده

۵.۱. واکنش نزدیکان رسول الله (ص)

نزدیک‌ترین فرد به پیامبر (ص) همسرش خدیجه بود. به خاطر حسن اعتماد و شیفتگی به اخلاق پیامبر (ص) بود که نخستین فردی گردید که به اسلام ایمان آورد. در تمامی منابع قدیم و تحقیقات جدید به این موضوع تصریح شده زمانی که رسول الله (ص) مضطرب و متحریر از غار حرا برگشت، خدیجه با دیدن حال و روز پیامبر (ص)، بی‌درنگ گفته‌هایش در امر رسالت را تصدیق کرده و به حضرت قوت قلب و امیدواری داد (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۷۵): «تو مردی امین و راستگو، دادرس مظلومان و طرفدار حق و عدالت هستی، قلبی رئوف و خوبی پسندیده داری. تو با خویشان نیکی می‌کنی اگر به چنین جایگاهی رسیده‌ای جای شکفتی نیست». در جریان محاصره مسلمانان در شعب ابی طالب، در شرایطی که مسلمین وضعیت بسیار سختی را می‌گذرانیدند کلیه دارایی خدیجه صرف حمایت از مسلمانان و رسول الله (ص) گردید (طبری، ۱۴۱ق، ص ۵۰). اساساً باور عمیق و اعتماد وافر حضرت خدیجه به پیامبر (ص)، سلامت نفس، اخلاق نیک و خوب شایسته حضرت بود که سبب شد تا خدیجه (س) با تمام توان، ثروت و شهرتش، مطیع و معتقد به بعثت حضرت شود و از هر کاری در راستای پیشبرد رسالت دریغ نورزد (نک: فروهی و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۳۱۵۷).

ابوطالب - عمومی پیامبر (ص) - نمونه‌دیگری از افراد نزدیک به حضرت بود که پشتیبانی کاملی از ایشان مبذول داشتند. با وجود آنکه بزرگ قریش و سالخورده قوم بود و مدتی نیز سرپرستی پیامبر (ص) را بر عهده داشت برخلاف فرهنگ متعارف قبیله‌ای-جاهلی، حمایت بی‌سابقه‌ای از حضرت محمد (ص) به عمل آورد. وی اعتماد خدشه‌ناپذیری به پیامبر (ص) داشت و احترام فوق العاده‌ای برای ایشان قائل بود (آمسترانگ، ۱۳۸۳، ص ۱۳۴). ابوطالب خطاب به یکی از فرزندانش جهت پیروی از محمد (ص) چنین می‌گوید «فرزنندم! بدان که به خدا قسم محمد از روز اول امین بوده است» (بوسفی غروی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۲۲). وی در راستای کمک به پیامبر (ص) «سعی بلیغی» نمود (ابن عمر، ۱۳۸۲، ص ۷۱).

ابوطالب هیچ‌گاه پیامبر (ص) و آیینش را تکذیب نکرد و با آن موقعیت اجتماعی و سن و سالش، خود را وقف پیامبر کرد (جعفریان، ۱۳۸۳، ص ۲۵۶-۲۵۷). با وجود آنکه دائم توسط سران مشرک در فشار بود تا پیامبر (ص) را از ادامه مسیر باز دارد و دست از حمایت او بکشد، در برابر فشارها تسلیم نگردید، بلکه به شکلی عاقلانه و در عین حال محکم و قاطع، از پیامبر (ص) دفاع کرد (یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۳۸۰-۳۸۲). او به صراحت، به پیامبر (ص) گفت در کنارت خواهم بود و تا زنده‌ام نخواهم گذاشت به تو آسمی برسانند: «فرزند برادرم، برو و هر آنچه دوست داری بگو. به خدا قسم! تو را بخاطر هیچ‌چیز تسلیم قریش نخواهم کرد و تا آخرین نفس از تو دفاع خواهم کرد» (یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۳۸۰-۳۸۲). قصایدی از ابوطالب در وصف و مدح پیامبر (ص) وجود دارد که نشان می‌دهد به چه میزان برای رسول الله احترام قائل بوده و به وی ارادت می‌ورزید (یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۳۸۹-۳۸۸).

پشتیبانی گسترده ابوطالب از پیامبر (ص)، «فداکاری ابوطالب در راه برادرزاده‌اش» (گنورگیو، ۱۳۹۴، ص ۱۳۳)، ناشی از اعتماد کاملی بود که به برادرزاده راستگو و امین خود داشت. به اندازه‌ای به حضرت اطمینان داشت که نه تنها مانع فعالیت‌های ایشان نشد، بلکه پشتیبان و حامی تمام عیار پیامبر (ص) بود و بی‌چون و چرا از ایشان حمایت کرد (ابن اسحاق، ۱۳۹۸، ق: ۱۲-۱۳). علی بن ایطالب (ع) از دیگر افراد بسیار نزدیک به پیامبر (ص) بود که با شنیدن پیام جدید، آورنده آن را تصدیق کرده و به اسلام ایمان آورد. سخن توماس کارلایل اشاره به همین موضوع دارد که «هر فردی هر چه محتاط و محافظه کار باشد، باز هم نمی‌تواند ویژگی‌های زندگی خود را از فامیل و نزدیکان خود بپوشاند. اگر محمد (ص) دارای روحیات و کردار بدی بود هرگز بر اقوام پوشیده نمی‌ماند و آنها به او گرایش پیدا نمی‌کردن» (سبحانی، ۱۳۸۳، ص ۷۹۸).

۵.۲. نگرش دیگر بستگان و مردم

علاوه بر گرایش نزدیکان، دیگر افراد نیز با توجه به پیشینه اخلاقی پیامبر (ص) نسبت به امر جدید، یعنی تبلیغ اسلام، موضعی خوشبینانه داشتند و این امر تأثیر مهمی در گرایش به اسلام داشت. در نخستین روزی که پیامبر (ص) اذن یافت دعوت خود را علنی کند، بر فراز کوه صفا خطاب به جماعت قریش فرمودند: «اگر شمارا خبر می‌دادم که سپاهی در پایین این کوه جای گرفته است آیا سخنم را باور می‌کردید؟ گفتند: آری! تو در نزد ما متهم نیستی و ما از تودوغ نشنیده‌ایم» (یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۳۸۴، امین عاملی، ۱۳۹۱، ق: ۶۲، سبحانی، ۱۳۸۳، ص ۲۵۷). گفته شده در آن

۵.۱.۳. نگرش مشرکان مکه

نکته مهم و قابل توجهی که مؤید مدعای مذکور است اینکه حتی مخالفین پیامبر اکرم (ص) نیز به شخصیت اخلاقی حضرت تأکید داشتند. مشرکان مکه و دشمنان قسم خورده اسلام، سرسخت‌ترین دشمنان رسول الله (ص) بهویژه سران آنان نظیر ابوجهل، ابوسفیان، نصر بن حارث ولید بن معیره و ... به رغم دشمنی در نهان و آشکار، تلویحًا و تصریحًا، به فضایل اخلاقی پیامبر (ص) اذعان داشتند و گزارش‌های متعددی شاهد این اشاره مستقیم است (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۹۳-۱۹۴؛ قاضی ابرقوه، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۰۳-۳۰۴؛ عاملی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۵۹۷-۵۹۸).

۶. تأثیرگذاری قدرت اخلاقی پیامبر اکرم (ص) در ساخت جامعه جدید

جامعه جاهلی پیش از بعثت، گرفتار انواع بحران‌های کوچک و بزرگ اجتماعی و خلاهای اخلاقی بود که این امر نقش اساسی در فروپاشی و اضمحلال آن داشت. با ظهور اسلام و با توجه به جایگاه بر جسته اخلاق در سیره پیامبر (ص) و آیین جدید، دوران تازه‌ای از حیات اجتماعی-انسانی در شبه جزیره عربستان شروع شد (مطهری، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۱۶۹-۱۷۰). بدون تردید «عنصر تأثیرگذار و قدرت‌آفرین اخلاق» نقش اساسی در انهدام ساختار جامعه جاهلیت و پی‌ریزی جامعه جدید ایفا کرد. در واقع، ظهور و بروز فضایل اخلاقی به متابه تولید نیرو و قدرتی بود که بر مبنای آن مفاهیم جدید شکل گرفت و انگاره‌های نو پدید آمد که در پی آن هنجارها و

ارزش‌ها تغییر یافت و در نهایت رفتارها اصلاح شد (نصر، ۱۳۸۴، ص ۹۱-۹۲).^{۱۰} تأثیر ویژگی‌های برجسته اخلاقی پیامبر (ص) و نگرش مشبی که به شخصیت ایشان وجود داشت، در تبعیت از پیامبر (ص) و حمایت وفادارانه و متعهدانه نویسان از حضرت نمودار گردید (نصر، ۱۳۸۴، ص ۱۰۶). هسته نوپای مسلمانان مکه چنان ذوب در شخصیت و شیوه اخلاق وی شده بودند که در برابر فشارهای سهمگین مشرکین مکه مقاومت ورزیدند و هر گونه ستمی را تحمل کردند. تغییر آین و ایستادگی در برابر رسوم‌های جاهلی و ساخت اجتماعی-قibile‌ای عصر جاهلیت در آن جامعه خشک و بی‌اخلاق، کار آسانی نبود و بهای طرد، تحمیل انواع محدودیت‌ها، محرومیت‌ها و نهایتاً از کفر رفتن جان و مال‌شان تمام شد. اقدام نخست مشرکین مکه، تهدید و فشار روانی سنگین، طعنه و استهzae علیه مسلمانان بود که با هدف تضعیف و تخریب روحیه آنان انجام می‌پذیرفت. سپس با اقدامات تخریبی گسترده نظیر بدرفتاری با آنها در قibile، محرومیت از فعالیت‌های بازرگانی و منع خرید و فروش در بازار، مجاز دانستن طلبکاران در عدم پرداخت بدھی‌شان به مسلمانان، مجازات افرادی که با مسلمانان معامله می‌کردند، ادامه یافت (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۴۲، گورگیو، ۱۳۹۴، ص ۱۲۳).

برخوردهای فیزیکی و آسیب جسمانی مرحله دیگری از اقدامات خشن مشرکین مکه بود که بی‌محابا و بی‌رحمانه علیه مسلمانان بکار بستند؛ شکنجه، حبس و آزار و اذیت و حتی قتل از جمله مواردی بود که به طور دائم نسبت به تازه مسلمانان انجام پذیرفت (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۹۶-۱۹۸). سمیه مادر عمر، توسط ابوجهل به طرز فجیعی به شهادت رسید، یاسر پدر عمر نیز بر اثر این شکنجه‌ها کشته شد. عمر فرزند یاسر به اندازه‌ای شکنجه دید که سال‌ها آثار آن بر پشت او باقی مانده بود (جعفریان، ۱۳۸۳، ص ۳۴۱).

بلال بن رباح یکی از نویسان بود که زجر بسیاری کشید. امیه بن خلف، صاحب بلال که از نظر سنگدلی و بی‌رحمی نسبت به مسلمانان مشهور شده بود، بلال را در گرمای سوزان روی سنگ‌ها می‌خوابانید و روی سینه‌اش سنگ داغی می‌گذاشت و می‌گفت که یا باید بمیری یا به محمد کافر شوی (منتظر القائم، ۱۳۸۳، ص ۹۱). ابوفکیهه از غلامان صفوان بن امیه جمھی بود که اسلام آورد. مالکش، به اندازه‌ای اورآزار داد که پنداشتند مرده است. پاهایش را با ریسمان می‌بستند، بر روی زمین می‌کشاندند (مبارک فوری، ۱۳۸۲، ص ۱۱۶) و با تمسخر می‌گفتند تا محمد با سحرش تو را نجات دهد (ابن اثیر، بی‌تا، ج ۷، ص ۷۵، آیتی، ۱۳۷۸، ص ۱۲۸). ابوذر غفاری از نخستین کسانی بود که به حضرت ملحق شد. در روایات آمده آنچنان اورا مضروب ساختند که نزدیک

بود جان دهد. تنها ترس از قبیله غفار در نامن‌سازی مسیرهای تجاري قریش، سبب شد تا دست از شکنجه ابوذر بکشند (ابن سعد، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۲۰۳-۲۰۱).

علاوه بر این، مسلمانان در جهت تبعیت از پیامبر (ص) و پاییندی به آیین جدید، مشقت‌ها را تحمل و اقدامات سختی را انجام دادند. برای نماز گذاردن و شنیدن سخنان حضرت مجبور بودند مخفیانه و در ساعات مختلف شباهنگ روز در بیابان‌ها، شکاف خالی کوهها، دره‌ها و فواصل دور دست را بپیمایند (فیاض، ۱۳۸۵، ص ۶۱) در آن نقاط نیز در امان بودند و مانع عبادت و اجتماع مسلمانان می‌شدند، به همین علت بود که در خانه ارقام جلسات خود را برگزار می‌کردند و در آنجا نیز تحت تدابیر خاصی رفت و آمد صورت می‌گرفت تا توسط مشرکین شناسایی نشوند. سخت‌گیری و فشارها به اندازه گسترش یافت که مسلمانان مجبور به مهاجرت شدند (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۳۶).

حصر اقتصادی مسلمانان در شعب ابی طالب یکی دیگر از سخت‌ترین مقاطع مسلمانان بود که با زجر و رنج سپری شد (مسعودی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۱۴). در شعب، مسلمانان شدیداً تحت فشار قرار گرفتند به اندازه‌ای که برگ درختان و پوست گوسفند را جوشانده و می‌خوردند. بر اثر گرسنگی نalle کودکان از دور شنیده می‌شد (امین عاملی، ۱۳۹۱، ق، ج ۱، ص ۲۳۵). بسیاری از گروندگان به اسلام بخاطر اعتقادات و همراهی با رسول الله (ص) بخش زیادی از اموال و دارایی‌شان را از دست دادند؛ نظیر خدیجه (س)، مصعب بن عمیر، ابوبکر ابی قحافه، صحیب رومی. ابوبکر از تجار بزرگ مکه محسوب می‌شد در هنگام هجرت به مدینه تنها اندک اندوخته‌ای برای او باقی مانده بود (زرباب خوبی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۴). صحیب در راه ارادت به پیامبر و تشرف به اسلام، قید دارایی‌های خود را زد و تمامی اموالش در مکه مصادره گردید (ابن اثیر، بی‌تاریخ، ج ۹، ص ۸۳). وی در مکه ثروت و اموال فراوانی اندوخته بود (زرباب خوبی، ۱۳۸۸، ص ۱۲۲) در هنگام هجرت به مدینه، مکیان به او گفتند «تو درویشی صعلوک و بی‌چیز به شهر ما آمدی و در اینجا ثروت اندوختی و حال می‌خواهی خودت و اموالت را بدر ببری مانمی‌گذاریم که چنین کنی» صحیب از اموال خود چشم پوشی کرد و همراه پیامبر (ص) به مدینه هجرت کرد (قاضی ابرقو، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۴۵۸).

زید بن حارثه آزاد شده و فرزند خوانده رسول خدا (ص) بود که چنان مجذوب پیامبر شد که وقتی والدینش به دنبالش آمدند، حضرت وی را میان ماندن و رفتن با والدینش مخیر کرد و وی مشتاقانه نزد پیامبر ماند (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۶۳). ابوسفیان از سران مشرک اشاره دارد که تاکنون ندیله بودم کسانی صاحب خویش را آن اندازه که اصحاب محمد (ص) او را دوست می

دارند دوست داشته باشند (جعفریان، ۱۳۸۳، ۲۶۰). این مطالب تنها نمونه محدودی از موارد متعددی است که مشخص می‌سازد که پاران پیامبر (ص) تا چه میزان به حضرت و فادار بودند. آنان در وضعیت بسیار عذاب‌آور و طاقت‌فرسا، مشتاقانه و عاشقانه در خدمت محمد (ص) و رسالتش قرار گرفتند.^۱

با کم رنگ شدن ساختارهای قبیله‌ای و پیوندهای نژادی و خونی، اختلافات متعدد و تنشی‌های متراکم به شدت کمتر شد. جامعه سرشار از تضاد و تشتت به «امت واحد» و «اجتماعی زنده و قدرت‌مند» تبدیل شد (برگر، ۱۳۸۹، ۱۱۰-۱۱۲، شاو ۱۳۸۵، ص ۸۵) و ارزش‌های اخلاقی و انسانی به شکل گسترده‌ای رونق گرفت (دورانت، ۱۴۰۰، بخش اول، ص ۴۳۲). جامعه‌ای که تا پیش از آن گرفتار انواع خشونت‌ها و بحران‌های اخلاقی بودند (زربابخوبی، ۱۳۸۸، ص ۸۳-۸۵، ایزوتسو، ۱۳۷۴، ص ۹۸-۹۵)، آرامش یافت و راحت‌تر کنار یک‌دیگر قرار گرفتند. برتری نژادی خطا انگاشته شد و برابری و برادری گسترش یافت (واقدی، ۱۴۰۹، ق ۳، ص ۹۳۱) بودگی، تجاوز به حدود و حقوق دیگران به امری مذموم و نکوهیده تبدیل شد و در مقابل فرهنگ ایثارگری، عدالت‌گری، صلح و نوع دوستی، خیرخواهی، عفو و گذشت میان مردم گسترش یافت (نصر، ۱۳۸۴، ص ۹۶-۹۸)، زمینه برای رشد و شکوفایی قابلیت‌های انسانی و بهره‌گیری صحیح از استعدادهای افراد فراهم آمد (پاشا، ۱۳۸۵، ص ۱۱۵). شخصیت فردی و اجتماعی افراد و اندیشه و نظرشان محترم شمرده می‌شد (طبرسی، ۱۴۱۲، ق ۱، ص ۶۶۶)، دامنه فکر و وسعت اندیشه افراد جامعه گسترش یافت (نصر، ۱۳۸۴).

۱. حضرت محمد (ص) خود نیز در معرض آزار و اذیت و شکنجه‌های سخت و سنگین مشرکان مکه قرار داشت. البته، به جهت ساختار قبیله‌ای حجاز و حمایت تمام عیار ابوطالب - تازمانی که در قید حیات بود - کمتر در معرض آسیب جسمانی قرار داشت. در عصر بعثت فشار سران مشرک به اندازه‌ای شدت یافته بود که پیامبر (ص) وقتی از خانه پیرون آمد بر هر که بگذشت از کوچک و بزرگ، آزاد و بنده او را دشنام دادند و رنجانیدند به اندازه‌ای دل‌تگ شد که به خانه رفت و «بخفت و گلیمی در سر کشید» (قاضی ابرقوه، ۱۳۷۷، ق ۱، ص ۲۶۱). آزار و اقدامات زجر آور مشرکین به حدی بود که آن حضرت فرمودند: «هیچ پیامبری به اندازه من آزده نشد» (مجلسی، بی تا، ج ۳۹، ص ۵۶). فشار به ابوطالب برای بازداشت پیامبر (ص) از ادامه فعالیت‌های تبلیغی (ابن سعد، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۸۸)، مراجعه مستقیم به رسول الله (ص)؛ تضمیع، تمسخر، استهzae (آیتی، ۱۳۷۵، ص ۱۱۲)، ریختن شکمبه گوسفند و سرگین شتر بر بدن رسول الله (ص) به هنگام عبادت و محاصره اقتصادی و حصر مسلمانان در شعب ابی طالب با وضعیت معیشتی بسیار نامناسب (ابن سعد، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۹۴) از این جمله‌اند. خصومت ورزشی و خشونت‌ها در مکه به اندازه‌ای شدت یافت که زندگی در مکه طاقت‌فرسا شد و در سال‌های پیانی حضور در مکه، پیامبر در وضعیت بن‌بست‌گونه‌ای قرار داشت (یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۳۸۵) و حتی در خانه خود نیز در معرض آزار مشرکان بودند و امکان برقراری ارتباط معمولی با افراد را نیز نداشتند.

۷. نتیجه‌گیری

ص ۱۰۱-۱۰۰)، زندگی مردم از رخوت و انفعال به وضعیت پویا و فعال تبدیل شد، تعاون و همکاری در جهت رفع مسائل و مشکلات ریز و درشت جامعه شکل گرفت، میزان مشارکت جویی و مسئولیت‌پذیری اعضای جامعه اسلامی به شکل گستردۀ ارتفا یافت (ابن‌فراء، ۱۳۶۳، ص ۱۵۰)، زمینه برای وحدت و انسجام میان مردم و گروه‌های مختلف پدید آمد (عمید زنجانی، ۱۳۷۹، ص ۱۹۳-۱۹۴).^۱

علاوه بر تغییرات اساسی در اندیشه‌ها و گفتمان ذهنی افراد در عرصه سیاسی و میدانی شبه جزیره نیز تمامی تحولات به نفع مسلمانان رقم خورد و نیروهای قدرتمندی نظیر شرک، نفاق و بیهود، منفعل و منزوی شدند (آمسترانگ، ۱۳۸۳، ص ۵۳، ۵۵، ۶۲-۶۶). قواي مادي و توان سیاسی و نظامی آنها فروپاشید و بیشتر مناطق شبه جزیره در زیر چتر اسلام قرار گرفتند. بدون شک، تأثیر عنصر نیرومند اخلاق در آیین اسلام و سیره پیامبر (ص) و تولید قدرتی که از آن حاصل گردید در جهت‌دهی تحولات و ساخت جامعه جدید، گزاره اساسی بود.

در این پژوهش، به ارزیابی ارتباط دو مفهوم قدرت و اخلاق در سیره رسول الله (ص) پرداخته شد. به جهت ظرفیت‌های گستردۀ و توان تأثیرگذاری بالایی که در مفهوم اخلاق نهفته است، به عنوان یکی از منابع مهم قدرت در نظر گرفته شد. برخورداری رسول الله (ص) از فضایل اخلاقی و جایگاه ویژه اخلاق در آیین جدید، منبع مهمی بود که به تولید قدرت فراوان منتهی گردید و آثار آن در بروز تغییرات گستردۀ و تأثیرات عمیق و فراگیر نمودار شد.

عصر جاهلیت و جامعه‌ای که پیامبر (ص) مأموریت تبلیغ آیین اسلام یافت بدون شک، در حوزه‌های مختلف اجتماعی و انسانی، یکی از منحط‌ترین جوامع آن زمان به حساب می‌آمد. نیروی قدرتمند اخلاق که در اسلام و سیره پیامبر ثبود عینی داشت، نقش اساسی در تغییر و اصلاح جامعه ایفا کرد. با تقلیل کنش‌های هیجانی، خویشنداری در رفتار و سلوک افراد افزایش

۱. تفاوت حجاز قبل از پیامبر (ص) و بعد از آن گویای موضوع است. جامعه‌ای که ارزش‌های اجتماعی و هنجارهای فرهنگی آن بر محور نژاد، خون، قیله و شمشیر استوار بود چنان منقلب و متاثر گردید که عصر نوینی در آن شروع شد و به بربایی تمدن مسلمانان منتهی گردید. سیره اخلاقی پیامبر (ص) تأثیر مهمی در گذر از جامعه جاهلی و ساخت جامعه جدید اسلامی داشت.

یافت و به مقدار زیادی تابع هنجارهای اخلاقی و اعتقادی گردیدند. جامعه‌ای که اسیر آشتفتگی شدید بود و در لبه پرتگاه در معرض انحطاط اجتماعی و سقوط اخلاقی قرار داشت، در عصر رسالت تغییر جهت داد و در مسیر رشد و بهره‌برداری درست از استعدادهای انسانی-اجتماعی قرار گرفت. از این‌رو، اخلاق و فضایل اخلاقی پیامبر (ص)، قدرت و سرمایه‌ای پدید آورد که در گرایش به آن حضرت و تبعیت از اسلام نمودار شد. این مسئله بی‌تردید زیرساخت‌های برپایی تمدن باشکوه مسلمانان را فراهم آورد.

فهرست منابع

* قرآن کریم.



- ابن اثیر جزری، علی. (بی‌تا). *الکامل*. (ترجمه: عباس خلیلی و ابوالقاسم حالت). تهران: انتشارات علمی.
۱۰۱
ابن اسحاق، محمد. (۱۳۹۸ق). *سیره ابن اسحاق*. (تحقيق: سهیل ذکار). بیروت: دار الفکر.
ابن سعد، ابوعبدالله محمد کاتب. (۱۳۷۴). *طبقات*. (ترجمه: محمود مهدوی دامغانی). تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه.
ابن عمر، شرف‌الدین محمد بن عبد‌الله. (۱۳۸۲). *خلاصه سیرت رسول الله (ص)*. (تصحیح: اصغر مهدوی و مهدی قمی‌نژاد). تهران: علمی و فرهنگی.
ابن فراء. (۱۳۶۳). *رسل الملوك (سفیران)*. (ترجمه: پرویز اتابکی). تهران: سازمان انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
ابن هشام، ابومحمد عبدالملک. (۱۳۷۵). *زندگانی محمد (ص) پیامبر اسلام*. (ترجمه: سید هاشم رسولی) تهران: انتشارات کتابچی.
امین عاملی، سید محسن. (۱۴۰۳ق). *اعیان الشیعه*. بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
ایزوتسو، توشی‌هیکو. (۱۳۷۴). *خدای انسان در قرآن*. (ترجمه: احمد آرام). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
آرمسترانگ، کارن. (۱۳۸۳). *محمد: زندگی نامه پیامبر اکرم (ص)*. (ترجمه: کیانوش حشمتی). تهران: انتشارات حکمت.
آرمون، عسگر؛ اسدی، عبدالله. (۱۳۹۱). *نگرشی بر سیره اخلاقی پیامبر اکرم (ص)*. فصلنامه حبل المتنی: ص ۹۷-۱۲۱.

امام صادق (ع).

جعفریان، رسول. (۱۳۸۳). سیره رسول خدا (ص). قم: دلیل ما.

خنیفر، حسین، اسماعیلی، حسن. (۱۳۸۹). نقش سازمان اخلاقی در توسعه منابع انسانی. تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

دامغانی، سید رضا. (۱۳۸۳). نگرشی بر مدیریت اسلامی. تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل. دورانت ویل. (۱۴۰۰). تاریخ تمدن: (ترجمه: اسماعیل دولتشاهی). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی. زریاب خوبی، عباس. (۱۳۸۸). سیره رسول الله (ص) از آغاز تا هجرت. تهران: سروش. سبحانی، جعفر. (۱۳۸۳). فروع ابدیت. قم: بوستان کتاب.

سروری، رضا، قربانزاده، قربانعلی، جهرمی، ناصر، اسلامی، سهراب. (۱۴۰۰). بررسی سیره تربیتی - سیاسی پیامبر: با تأکید بر «تألیف قلوب». فصلنامه بصیرت و تربیت اسلامی. ۵۸. ص ۹۹-۱۱۷. شهرستانی، حسین. (۱۳۹۱). حوزه خصوصی و قدرت نرم دولت. ماهنامه سوره. ش ۶۲-۶۳، ص ۱۰۴-۱۰۵.

شیدائیان، حسین. (۱۳۸۵). سیره اخلاقی پیامبر اعظم (ص). فصلنامه حضون. ۹. ص ۳۶-۲۲. صمدی، معصومه، داویی، مهدی، اقبالیان، طاهره. (۱۳۹۱). مبانی، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی در سیره پیامبر (ص) و اهل بیت (ع). فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت. ش ۱۶. ص ۶۴-۳۷. طبرسی فضل بن حسن. (۱۴۱۲ ق). مجمع البیان. بیروت: مؤسسه تاریخ العربی. طبری، محمد بن جریر. (۱۳۷۵). تاریخ طبری. (ترجمه: ابوالقاسم پاینده). تهران: اساطیر. عاملی، جعفر مرتضی. (۱۳۸۴). سیرت جاودانه. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

آیتی، محمد ابراهیم. (۱۳۷۸). تاریخ پیامبر اکرم (ص). تهران: انتشارات دانشگاه تهران. بحرینی، نسرین. (۱۳۸۹). اخلاق پژوهش به مثابه یک دانش، جستوجو در اصلاح و هویت معرفتی اخلاق پژوهش. فصلنامه راهبرد فرهنگ. ش ۹-۸. ص ۵۸-۳۹. برزگ، ابراهیم. (۱۳۸۹). تاریخ تحول دولت در اسلام و ایران. تهران: سمت. بلاذری، احمد بن یحیی. (۱۳۹۷/۱۳۹۴ ق). انساب الاشراف. (تصحیح: محمد باقر محمودی). بیروت: بی‌نا. بلعمی، ابوعلی. (۱۳۷۳). تاریخ‌نامه طبری. (تحقيق: محمد روشن). تهران: البرز. بهشتی، احمد. (۱۳۸۷). اخلاق معجزه دوم نبوی، در اخلاق حرفای در تمدن ایران و اسلام. (به اهتمام احد فرامرز قراملکی). تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

بیهقی، ابوبکر. (۱۳۶۱). دلایل النبوة. (ترجمه: محمود مهدوی دامغانی). تهران: علمی و فرهنگی. پاشا، حسین. (۱۳۸۵). پیامبر اعظم از نگاه متفکران غربی. ماهنامه سیاحت غرب. ۳۸. ص ۱۰-۵. ترازا، رینوالد. (۱۳۸۹). قدرت نرم و سیاست خارجی آمریکا. (ترجمه: مجید رسولی). تهران: دانشگاه

عاملى، محمد بن حسن. (۱۳۹۱ق). *وسائل الشيعه*. بيروت: دار احياء التراث العربي.

عزيزى، موسى. (۱۳۹۱). *سیره سياسى پيامبر اکرم (ص)*. فصلنامه حبل المتن. ص ۹۶-۸۴.

عميد زنجانى، عباسعلی. (۱۳۷۹). *فقه سياسى*. تهران: سمت.

فارابي، ابننصر محمد بن محمد. (۱۴۰۵ق). *فصلوں متزععہ*. تهران: مکتبۃ الزهراء.

فضلی، خادم حسين. (۱۳۸۵). *سیره رفتاری و اخلاقی پیامبر اعظم (ص)*. ماهنامه معرفت. ش ۱۱۰. ص ۳۲-۲۰.

فرامرز قراملكى، احمد. (۱۳۸۸). *اخلاق سازمانی*. تهران: مؤسسه مطالعات بهروردی و منابع انسانی.

فرامرز قراملكى، احمد؛ نوجه فلاح، رستم. (۱۳۸۶). *موانع رشد اخلاق حرفاً در سازمان‌ها*. تهران: بشرى.

فروهي، آرمان. رازنهان، محمد حسن، عطاري، علي‌رضا. (۱۳۹۶). *بررسی و نقده آراء مستشرقان درباره زندگانی حضرت خدیجہ (س)*. دوفصلنامه تاریخ اسلام در آینه پژوهش. س ۱۴. ش ۴۳. ص ۵۷-۳۱.

فياض، على اكبر. (۱۳۸۵). *تاریخ اسلام*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران:

قاضى ابرقوه، رفیع الدين اسحاق. (۱۳۷۷). *سیرت رسول الله*. (تحقيق: اصغر مهدوى). تهران: خوارزمى.

كلگ آر، استوارت. (۱۳۸۳). *چارچوب‌های قدرت*. (ترجمه: مصطفیٰ یونسی). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردى.

گورگیو، کستان ویرژیل. (۱۳۹۴). *محمد؛ پیغمبری که از نو باید شناخت*. (ترجمه: ذبیح الله منصوری). تهران: زرین.

مبارک‌فوری، شیخ صفی‌الرحمن. (۱۳۸۲). *خورشید نبوت؛ ترجمه فارسی «الرحيق المختوم»*. (ترجمه: محمدعلی لسانی فشارکی). تهران: احسان.

متأنی پور، محمدنتی. (۱۳۹۳). *سیره اخلاقی پیامبر اکرم (ص)*. فصلنامه تاریخ نو. ۹. ص ۱۲۰-۱۰۷.

مجلسی محمد باقر. (۱۴۰۴ق). *بحار الانوار*. بيروت: مؤسسه الوفاء.

محدثی، جواد. (۱۳۸۵). *پیام‌های عاشورا*. قم: زمزم هدایت.

مرادی، حجّت الله. (۱۳۸۹). *قدرت و جنگ نرم از نظریه تابعی*. تهران: نشر ساقی.

مسعودی، ابوالحسن علی. (۱۳۷۴). *مروح الذهب و معادن الجوهر*. (ترجمه: ابوالقاسم پاینده). تهران: علمی و فرهنگی.

مطهری، مرتضی. (۱۳۹۹). *حماسه حسینی*. (ج ۱). تهران: صدرا.

منافی اناری، سالار. (۱۳۸۸). *ارزش‌های اخلاقی در سیره پیامبر (ص)*. مجموعه مقالات نگین خاتم، دانشگاه علامه طباطبائی. ص ۲۵۲-۲۲۹.

منتظرالقائم، اصغر. (۱۳۸۳). *تاریخ اسلام از آغاز تا سال ۴۰ هجری*. اصفهان: سمت و انتشارات دانشگاه اصفهان.

نای، جوزف. (۱۳۸۷). قدرت در عصر اطلاعات. (ترجمه: سعید میرترابی). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

نای، جوزف. (۱۳۹۲). آیده قدرت. (ترجمه: احمد عزیزی). تهران: نشر نی.
 نساجی زواره، اسماعیل. (۱۳۸۵). آموزه‌های اخلاقی در سیره پیامبر اعظم (ص). ماهنامه مکتب اسلام. ص ۴۷-۵۱.

نصر، سید حسین. (۱۳۸۴). آرمان‌ها و واقعیت‌های اسلام. (ترجمه: انشالله رحمتی). تهران: جام.
 واقدی، محمد بن عمر. (۱۴۰۹ق). المغازی. بیروت: مؤسسه الأعلمی.
 یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب. (۱۳۷۱). تاریخ یعقوبی. (ترجمه: محمدابراهیم آیتی). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

یوسفی‌غروی، محمد هادی. (۱۳۸۸). تاریخ تحقیقی اسلام (موسوعه التاریخ الاسلامی): عصر نبوت تا مرحله اعلان دعوت. (ترجمه: حسینعلی عربی). (ج ۱). تهران: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره).